

جغرافیای انتخابات

دکتر زهرا پیشگاهی فرد - گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه و تاریخچه علم جغرافیای انتخابات

جغرافیای انتخابات یکی از مباحث شیرین در علم جغرافیای سیاسی است. در نظامهای دموکراتیک که دولت‌ها بارأی مردم انتخاب می‌شوند، جغرافیای انتخابات تأثیر مهمی در تعیین نتایج سیاسی دارد^(۱). علم جغرافیای انتخابات اولین بار در سال ۱۹۱۳ توسط دانشمند فرانسوی اندرزیگفاید (Andre' Siegfried) مطرح شد و او با مطالعه‌ای در خصوص

1-Rennie ohrt schn, An introduction to Political Geography.

انتخابات در غرب فرانسه و ارتباط آن با عوامل جغرافیایی و همین طور عوامل اقتصادی - اجتماعی ، نقطه نظرات خود را منتشر کرد . علاقه او به مسئله انتخابات و جغرافیای انتخابات سبب شد تا در سال ۱۹۴۹ مطالعه وسیعی را در خصوص جغرافیای انتخابات سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۹۴۰ انجام دهد . طی این مطالعه وی از روش نقشه های مقایسه ای نتایج انتخابات استفاده کرد و شاخص های گوناگونی را در امر انتخابات به تصویر کشید (۱) . در همان سال وی . او . کی (V.O. KEY) که یکی از دانشمندان علوم سیاسی امریکا بود ، مطالعات خود را از رأی گیری در امریکای جنوبی به صورت طبقه بندی شده ارائه داد . به تدریج مطالعه در خصوص جغرافیای انتخابات در امریکا رواج یافت و همراه آن مطالعات انتخابات از دیدگاههای سایر علوم مطرح شد . در دهه ۱۹۶۰ با اهمیت پیدا کردن جنبه های کمی در علوم جغرافیادانان امریکایی علاقمندی خود را نسبت به موضوع جغرافیای انتخابات بیش از پیش نشان دادند و در خصوص همه نوع انتخابات مطالعات وسیعی را آغاز کردند ، تا آنجا که به عنوان یک رشته از مطالعات جغرافیای سیاسی شناخته شد . طی همین سالها در کشورهایی چون استرالیا ، نیوزلند ، هند ، اسرائیل و برخی از کشورهای اروپای غربی نیز موضوع جغرافیای انتخابات جاذبه ای خاص پیدا کرد . عمده تمرکز در این مطالعات بر روی انتخابات در سطوح ملی ، محلی و همین طور انتخابات ریاست جمهوری بود .

پیتر تابلور (Peter Tylor) و رونالد جاسنسون

1-Glassner Martin Ira, Political Geography.

(Ronald Johnson) در کتاب خود به نام "جغرافیای انتخابات" کمتر سال ۱۹۷۹ منتشر شد به سه جنبه از جغرافیای انتخابات پرداختند.^(۱) جغرافیای رأی‌گیری، تأثیرات جغرافیایی در رأی‌گیری و جغرافیای نمایندگی. در بحث جغرافیای رأی‌گیری آنها به الگوهای رأی‌گیری پرداخته و روشهای آماری به جای نقشه‌ها تأکید کردند و در بخش تأثیرات جغرافیایی در رأی‌گیری به چهار جنبه از رأی‌گیری شامل: رأی‌گیری بر روی نشریات، رأی‌گیری بر روی کاندیدها، اثر رقیبان انتخاباتی و اثر مجاورت‌های سرزمینی پرداختند و در بخش جغرافیای نمایندگی، به نقش مشارکت مردم و حوزه‌های انتخاباتی در ترکیب و شکل‌دهی قوانین توسط نمایندگان قوه مقننه اشاره کردند.

علاوه بر موضوعاتی که تا یلور و جانسون بدان پرداختند، موضوعات دیگری نیز مورد توجه جغرافیدانان سیاسی قرار گرفت که فاقد کارگیری آمار و ارقام و یا کامپیوتر بود. جذابیت موضوعاتی چون: احزاب سیاسی و اساس حمایت از آنها، نمایندگی و الگوی رأی‌گیری در مجلس، ارتباط میان رأی‌گیری، جغرافیا و قدرت، و نقش ایدئولوژی در شکل‌دهی انتخابات و اثرات گوناگون جغرافیایی در این زمینه از جمله موضوعات مورد توجه جغرافیدانان سیاسی است.

بدین ترتیب جغرافیدانان سیاسی حرکتی فراسوی شمول‌گراش آراء را آغاز کرده‌اند تا جغرافیای انتخابات را به سمت تشریح الگوهای کلیسی سیاسی به پیش برند و به سمت روند تشکیل حکومتها، رابطه جغرافیا و انتخابات را در سطح جهان جامعیت بخشند.^(۲)

1-Glassner Uartin Ira, Political Geography.

2-Taylor, Peter J. and Ronald J. Johnston, Geography of Election.

ماهیت و هدف جغرافیای انتخابات

جغرافیدانان سیاسی در بخش جغرافیای انتخابات دو هدف اصلی را دنبال می‌کنند: یکی بررسی نتایج آراء انتخابات که در نتیجه آن خطوط سیاسی حاکم بر جامعه ترسیم می‌شود و دوم بررسی آراء اعضا پارلمان در مورد طرح‌ها و لوایح که از طریق آن منافع موکلین آنها مشخص می‌گردد. در این بررسی‌ها عموماً "روند گرایش مردم به جناح‌های سیاسی موجود تا حدودی تعیین می‌گردد، و دامنه تغییرات حاکمیت جناح‌های گوناگون سیاسی مشخص می‌شود."

همچنین جناح‌بندی‌های جدید در ترون پارلمان و بازتاب آن در جامعه و در تعیین سرنوشت آراء در دوره‌های آینده تا حدودی روشن می‌گردد. روند محبوبیت احزاب در میان مردم و عوامل مؤثر در ازدیاد یا کاهش آن، پراکندگی جغرافیایی احزاب و بررسی تغییرات در مرزهای فضایی جناح‌های سیاسی از جمله مسائلی است که در جغرافیای انتخابات قابل طرح است.

تغییراتی که در هر نقطه از نظر اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، ملیتی و نژادی رخ می‌دهد، جزء عوامل اصلی بررسی جغرافیدانان بوده و با استفانده از این عوامل جغرافیدانان سیاسی ظاهراً "مبانی الگوی رأی‌گیری را برای تمام مملکت یا مناطق بزرگ آن توضیح می‌دهند؛ چگونگی تغییر این الگو را با توجه به تغییر رأی یا هنگام انجام مهاجرت پیشگویی می‌کنند"^(۱). رفتار انتخاباتی مردم در مناطق مختلف و بررسی علل و عوامل جغرافیای آن نیز

۱- پرسکات، جی؛ آر. وی، گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی با ترجمه دره میرحیدر

مورد توجه جغرافیدانان سیاسی است . برای جغرافیدانان این نکته که ساکنین دره های معدنی ویلز جنوبی اغلب به حزب کارگر رأی می دهند و ساکنین مناطق کاتولیک نشین ایرلند شمالی از احزاب مخالف با اتحاد با بریتانیا حمایت می کنند ، قابل بررسی و تعمق است .

بطور کلی جغرافیای انتخابات به بررسی همه جانبه مسائل انتخابات اعم از انتخابات پارلمانی یا ریاست جمهوری پرداخته و فرآیندهای بیسرون و درونی ناشی از انتخابات را مورد توجه قرار می دهد تا به پیش بینی سیاستهای اجتماعی آینده بپردازد و وضعیت یک کشور را در سمت گیری سیاستهای ملی ، منطقه ای و بین المللی آینده تشریح نماید .

روش ها و تنگناهای تحقیق در جغرافیای انتخابات

جغرافیدانان انتخاباتی چون زیگفرد (Singfrid) کسرب هیسل (Krebheil) رایت (Wright) گوگل (Goguel) همسوگسونیر (Hugonnier) وبرگارد (Burghardt) آراء مردم را از روی طرح های ساده ای توجیه کرده اند . آنها با این پیش فرض که مردم به آنچه منافعشان را تأمین می کند رأی می دهند ، به ویژگیهای رأی دهندگان و شناسایی منافسین شخصی آنها پرداخته اند تا از این طریق نتیجه انتخابات را پیش بینی کنند . یکی از جغرافیدانان سیاسی به نام پرسکات Prescott . J . R . V معتقد است که برای بررسی جغرافیایی انتخابات دو ضابطه کلی باید در نظر گرفته شود :

یکی اینکه آراء برای کوچکترین حوزه هم با نمودار نشان داده شود و دوم

اینکه به دلیل وجود اختلاف میان وسعت حوزه های انتخاباتی روستایی بسا حوزه های انتخاباتی شهری، از نقشه هایی که در آن علامات متناسب با تعداد رأی دهندگان ترسیم شود، استفاده گردد. در روشی که پرسکات برای بررسی نتایج آراء انتخاباتی ارائه می دهد، بیان می کند که ابتدا باید مسرره های انتخاباتی را ترسیم کرد و برای این کار بهترین روش استفاده از نقشه است. (مثل نقشه های تقسیمات کشوری بر حسب شهرستان در مورد انتخاباتات در ایران). همچنین تغییرات حاصله در مرزهای انتخاباتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در ایران این تغییرات عمدتاً ناشی از تبدیل دهستان به بخش و بخش به شهرستان می باشد که منجر به پدید آمدن حوزه های جدید انتخاباتی می شود. علاوه بر آن از طریق شناخت نظام آراء انتخاباتی می توان به تشریح الگوی رأی پرداخت. در صورت عدم توجه به نظامهای مختلف انتخاباتی کسه هر کدام روشهای بسیار پیچیده اخذ آراء بر آن لحاظ شده، تهیه نقشه و نمودار با مشکلاتی مواجه می شود. مثلاً در انگلستان که نظام انتخاباتی بر مبنای "هر که اول از خط پایان گذشت" می باشد (۱۹۲). در بیک حوزه انتخابیه هر يك از نامزدهای انتخابات که بیش از همه رأی آورده باشد، برای نمایندگی حوزه هایی که يك نامزد انتخاباتی دارد، برگزیده می شود. در حالیکه در کشوری چون استرالیا نظام انتخاباتی دیگری حاکم است و تحقیق در مورد جغرافیای انتخابات در این دو کشور با دوشیوه متفاوت صورت می گیرد.

-
- 1-ReInnic Short John, An jntroduction to
Political Geography
2-First Past The Post

وجود دارد که جغرافیدانان انتخابات را دچار مشکل می‌سازد. مثلاً "در برخی از کشورها تعداد آراء ممتنع به درستی گزارش نمی‌شود. در پاره ای از کشورها تعداد کمی از مردم حق رأی دارند و از بررسی آراء نتیجه سودمندی بسدست نمی‌آید. در برخی کشورها معرفی نامزد جناح مخالف ممنوع است و گاه نیز دیده می‌شود که دولت‌ها مراکز رأی‌گیری را طوری معین می‌کنند که بسررای رأی‌دهندگان به راحتی قابل دسترسی نیست و در نتیجه رأی‌گیری بطور فراگیر انجام نمی‌شود. گاه نیز مراکز رأی‌گیری در مکانهایی مستقر می‌شود کسسه طرفداران حزب قدرتمند به آن دسترسی دارند. ممکن است در يك کشور همسه بررسی به گونه ای انجام شود که مردم را در شرایطی قرار دهند که با اجبار به هدفی از پیش تعیین شده رأی دهند. مثل رأی دادن مردم ایران به حزب رستاخیز در قبل از انقلاب. در فراندومها گاه اتفاق می‌افتد که برای تصمیم‌گیری، عده ای خاص اجازه شرکت پیدا می‌کنند. مثل همه بررسی سال ۱۹۶۴ اوگانسدا در مورد تعیین سرنوشت دو بخش بویاگا (Buyaga) و بسوگانگساز (Bugangazzi) و گاه نیز محدودیت در نوع سرنوشت، سبب اخسند پاسخهای غیر حقیقی می‌گردد. مثل زمانی که مردم کامرون بریتانیا مجبور بودند به یکی از دو شکلی که برای آنان تعیین شده بود، رأی دهند یا رأی به پیوستن به نیجریه و یا به کامرون. این در حالی بود که اکثر مردم متمایل به تشکیل دولت مستقل بودند. همه مشکلات موجود بر سر امسرتحقیق در جغرافیای انتخابات به نوعی در غیر واقعی نمودن نتیجه تحقیق اثر می‌گذارد. جغرافیدانان انتخابات برای کم کردن اشکالات موجود بر سر راه تحقیق لازم است روشهای نوینی را بداع نمایند تا نتایج حاصل از تحقیق به واقعیت

مباحث مهم در جغرافیای انتخابات

سه بحث مهم، مورد توجه دانشمندان جغرافیای انتخابات است :

۱- جغرافیای رای گیری ۲- جغرافیای نمایندگی ۳- جغرافیای نظام‌های انتخاباتی .

۱- جغرافیای رای گیری : در جغرافیای رای گیری عوامل موثر در تصمیم رای دهندگان مورد توجه است چنانچه موارد، اختلافات ملی منجر به اختلاف عمیق در اظهارات سیاسی و در نتیجه در رای گیری می‌شود. مثل اختلافات میان جوامع شهری و روستایی و یا اختلاف میان فرهنگ‌ها و یا اختلاف اقتصادی بین نواحی مرکزی و پیرامونی. آنچه مسلم است - طی قرن بیستم فرآیند غالب، پیوستگی نمایندگی محلی به نمایندگی ملی بوده است. مثلاً در ایالات متحده اظهارات سیاسی در سطح فدرال در مورد رقابت بین دو حزب دمکرات و جمهوریخواه است. اما در برخی کشورها نیز احزاب محلی بیسش از احزاب ملی مطرح‌اند. مثلاً در دهه ۱۹۷۰ بریتانیا فعالیت چشمگیر گروه‌های فرعی چون پلایدسیمرو (Plaid Cymru) در ویلز (Wales) و ملی گرایان اسکاتلندی را شاهد است. از عوامل دیگر در رای گیری، عامل مجاورت است. این بدان معنا است که رای دهندگان در محیط‌های کوچک از حزب محلی تاثیر می‌پذیرند. مثلاً در یک شهر معدنی به کاندیدا حزب کارگر رای بیشتری داده می‌شود، در حالیکه در یک شهر نسواریستی بیشترین

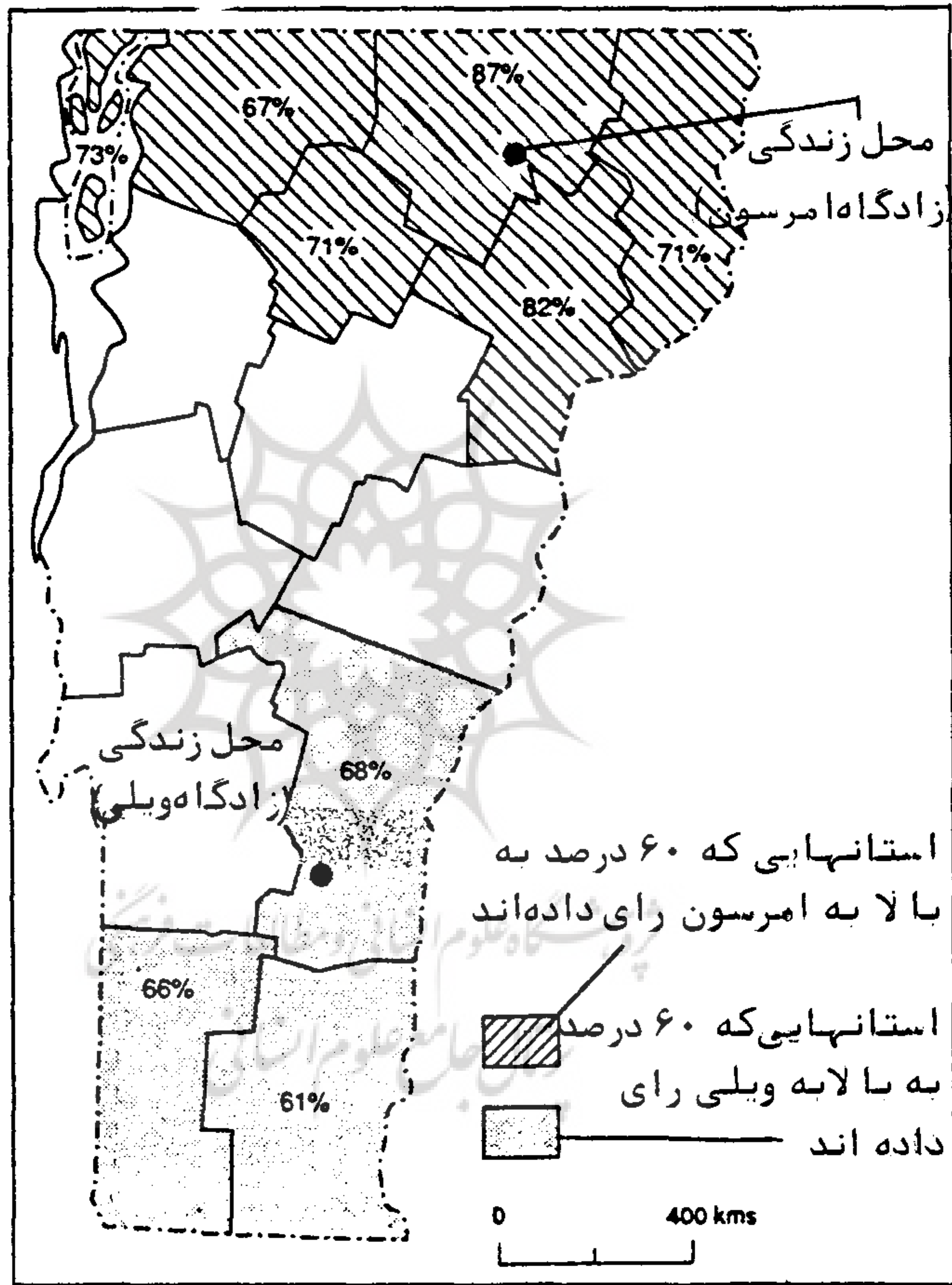
رای نصیب کاندید حزب محافظه کار می‌گردد. (جدول الف - ۱) اطلاعاتی را در يك نمونه رای گیری نشان می‌دهد. در حوضه انتخابی شهر معدنی، که يسيك پایگاه برای حزب کارگر بود، ۹۱٪ افراد که خودشان را جزء طبقه کارگر می‌دانستند به حزب کارگر رای دادند و فقط ۹٪ حزب محافظه کار را برگزیدند، حتی ۳۶٪ از افرادی که خود را از طبقه متوسط می‌دانستند نیز به حزب کارگر رای دادند. این فرآیند در نمونه شهر تورپستی به گونه دیگری مطابق جدول مشاهده می‌شود.

نوع حوزه انتخابی	شهر معدنی		شهر تورپستی	
	طبقه متوسط	طبقه کارگر	طبقه متوسط	طبقه کارگر
محافظه کار	۶۴	۹	۹۳	۵۲
کارگر	۳۶	۹۱	۷	۴۸
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول (الف - ۱) ماخذ: An Introduction Political geography Page 123

عامل دیگر در رای گیری، قدرتی است که کاندیداهای بومی دارند و روی رای دهندگان منطقه خودشان تاثیر می‌گذارد. بررسی (شکل ب - ۱) نشان می‌دهد که کاندیداهای رقیب جمهوریخواه برای استانداری شهر ورمونت (Vermont) بیشترین رای را در نزدیکترین مناطق به محل خودشان کسب کرده‌اند. شاید این بدان جهت باشد که کاندیداها در مناطق نزدیک به محل خود بیشتر برای رای دهندگان بومی شناخته شده‌اند و یا ممکن است به این دلیل باشد که رای دهندگان می‌پندارند که کاندیدا مشکلات مربوط به منطقه

کتاب است . می باشد .
 از طرفی نظام های سیاسی و اجتماعی در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه ، با توجه به شرایط طبیعی و انسانی ، متفاوت است .
 در حالی که در کشورهای توسعه یافته ، به عنوان مثال ، هند و پاکستان ، نظام های سیاسی و اجتماعی در مناطق مختلف ، بسیار متنوع است .
 در حالی که در کشورهای در حال توسعه ، به عنوان مثال ، چین و آمریکا ، نظام های سیاسی و اجتماعی در مناطق مختلف ، بسیار متنوع است .
 این تفاوت ها ، به دلیل عوامل مختلفی است ، از جمله تفاوت در شرایط طبیعی ، تفاوت در سطح توسعه ، تفاوت در ساختار سیاسی و تفاوت در فرهنگ .
 به عنوان مثال ، در هند ، نظام های سیاسی و اجتماعی در مناطق مختلف ، بسیار متنوع است ، زیرا این کشور دارای مناطق وسیعی است که دارای شرایط طبیعی و انسانی بسیار متنوعی هستند .
 در حالی که در آمریکا ، نظام های سیاسی و اجتماعی در مناطق مختلف ، بسیار متنوع است ، زیرا این کشور دارای مناطق وسیعی است که دارای شرایط طبیعی و انسانی بسیار متنوعی هستند .
 بنابراین ، تفاوت های نظام های سیاسی و اجتماعی ، به دلیل عوامل مختلفی است ، از جمله تفاوت در شرایط طبیعی ، تفاوت در سطح توسعه ، تفاوت در ساختار سیاسی و تفاوت در فرهنگ .



شکل ب - ۱

(جدول الف - ۲) يك مدل ساده از رقابت دو حزب سرخ (س) و آبی (آ) را نشان می‌دهد. اعداد نیز مقدار آراء داده شده به هر حزب را نشان می‌دهد. در طرح "يك الف ۲" دو حوزه انتخابیه وجود دارد و نتیجه نشان می‌دهد که هر حزب در يك حوزه انتخاباتی پیروز می‌شوند. در طرح "دو - الف ۲" چهار حوزه انتخاباتی در نظر گرفته شده که در حوزه غربی تعداد آراء داده شده مساوی با کل سه حوزه شرقی است و در آن حزب قرمز (س) بالاترین رای را آورده و برنده شده، اما در سه حوزه شرقی حزب مخالف (آ) با همان تعداد رای (یعنی ۶۰ رای) ۳ کرسی را اخذ نموده است. به عبارت دیگر هر يك از سه حوزه شرقی حزب آبی موفق شده با $\frac{1}{3}$ آرائی که حزب حوزه غربی آورده،

"دو - الف ۲"	"يك - الف ۲"
۱۳ س ۶۰	۴۰ س ۶۰
۲۰ آ	۶۰ آ ۴۰
۱۳ س ۴۰	
۲۰ آ	
۱۴ س	
۲۰ آ	
	(جدول الف ۲)

يك كرسى را كسب كند . به اين پديده يعنى عدم توازن بين راي دهندگان هر حوزه انتخابى " تقسيم نامناسب تعداد نمايندگان " گويند.^۱

در نظام انتخاباتى ايران ، ميزان اخذ راي براى نمايندگى مجلس شوراي اسلامى در دوره اول و دوم متفاوت است ، به اين معنا كه در دوره اول ، انتخاب نماينده منوط به كسب اكثريت حداقل يك سوم كل آراء و در مرحله دوم با كسب اكثريت نسبي به هر ميزان است .^۲ اما آنچه مسلم است چه در دوره اول و چه در دوره دوم با توجه به شرايط بالا ، همانند نظام انتخاباتى انگليس ، يعنى هر كه زودتر از خط پايان گذشت ، كاندیداها به مجلس راه مى بايند .

در سال ۱۹۶۲ ديوان عالى قضايى ايالات متحده امريكا حكم كرد كه مسئله " تقسيم بندى تعداد مناسب نمايندگان " مربوط به اين نهاد است . پس از آن هيئت منصفه تصويب كردند كه تساوى تعداد ، معيار اصلى براى مرز انتخابات قوه مقننه و مجلس نمايندگان باشد . پس از آن در تعداد نمايندگان هر ايالت تجديد نظر شد . در بسيارى از موارد ، نواحى روستايى در مقايسه با نواحى شهرى تمايل بيشترى به حضور در انتخابات دارند . " تقسيم نامساوى تعداد نمايندگان " در بيشتر موارد به نفع روستائيان است ، بسمه خصوص در مواردى كه جوامع شهرى و روستايى بنا به دلایلى از نظر باورهاى سياسى با يكديگر اختلاف داشته باشند . در نتيجه ، تعداد بيشتر نماينده منتخب در حوزه هاى كوچكتر سبب مى شود كه منافع روستائيان در مجلس بيشتر از منافع شهرى ها در نظر گرفته شود . در مواردى " نامساوى بسودن

۱- همان ماخذ

۲- ماده ۸ كتاب قانون انتخابات مجلس شوراي اسلامى و قانون نظارت شوراي نگهبان

تعداد نمایندگان " می‌تواند در نواحی شهری هم مفید واقع شود. مثلاً در انگلستان پس از جنگ دوم جهانی اصلاح انتخاباتی در سال ۱۹۴۹ رسمی شد. تعدیل کرسیهای قانونی، توسط اعضاء کمیسیون مرزی، به منظور تجدید نظر در حوزه‌های انتخاباتی بوجود آمد. آنها دوباره در سال ۱۹۷۰ نتیجه سال ۱۹۴۵، که در نواحی مرزهای بوجود آمده در آن سال بدست آورده بودند را اخذ نمودند. در این سال توزیع جمعیت به صورت سکونت در حوزمه شهر بود و حوزه‌های انتخاباتی نواحی شهری جمعیت خود را از دست دادند و این در حالی بود که نواحی حومه‌ای جمعیتشان زیاد شد. بنابراین نواحی شهری حضور بیشتری در مجلس پیدا کردند. (جدول الف - ۳) نشان دهنده تحولات جمعیتی در دو شهر بیرمنگام (Birmingham Ladyweed) و گلاسکو (Glasgow Kelvingrove) و دو حومه چیلد (Chealde) و بیلورسی (Billericy) در سالهای ۱۹۵۵ و ۱۹۷۰ است.

	۱۹۷۰	۱۹۹۵	
بیرمنگام	۱۸۷۲۹	۴۶۹۰۴	
گلاسکو	۱۸۹۰۷	۳۹۶۷۲	
چیلد	۱۰۷۲۲۵	۶۱۶۲۶	
بیلورسی	۱۲۳۱۲۱	۵۸۸۷۲	

Source :An Introduction to Political Geography.P.124.

(جدول الف - ۳)

تقلب یا دستکاری در حدود و مرزهای انتخاباتی به منظور دستیابی به نتیجه خاص، "تنظیم غیرعادلانه حوزه‌های انتخاباتی" (۱) نامیده می‌شود. این اصطلاح از نام "ال بریج جری" (۲) که در سال ۱۸۱۰ در ماساچوست به نمایندگی انتخاب شده، منشاء می‌گیرد.

وی به منظور بر سر قدرت نگه داشتن حزبش (جمهوریخواه - دمکرات) لایحه‌ای را امضاء کرد که مرزها را بخاطر نواحی سیاسی که به نفع خودش بود، امتداد می‌داد. این برای وی یک موفقیت بود. در انتخابات بعدی گرچسسه فدرالیست‌ها، تعداد آراء بیشتری بدست آوردند (۵۱۷۶۶ به ۵۰۱۶۴) اما حزب "جمهوریخواه - دمکرات" ۲۹ کرسی سناتو نسبت به ۱۱ کرسی رقیبش بدست آورد. (۳) گیلبرت استورات (Gilbert Stuart) که یک هنرمند گرافیک بود خطوط اصلی مرز را به یک سمندر تشریح کرد. (شکل ب - ۲).

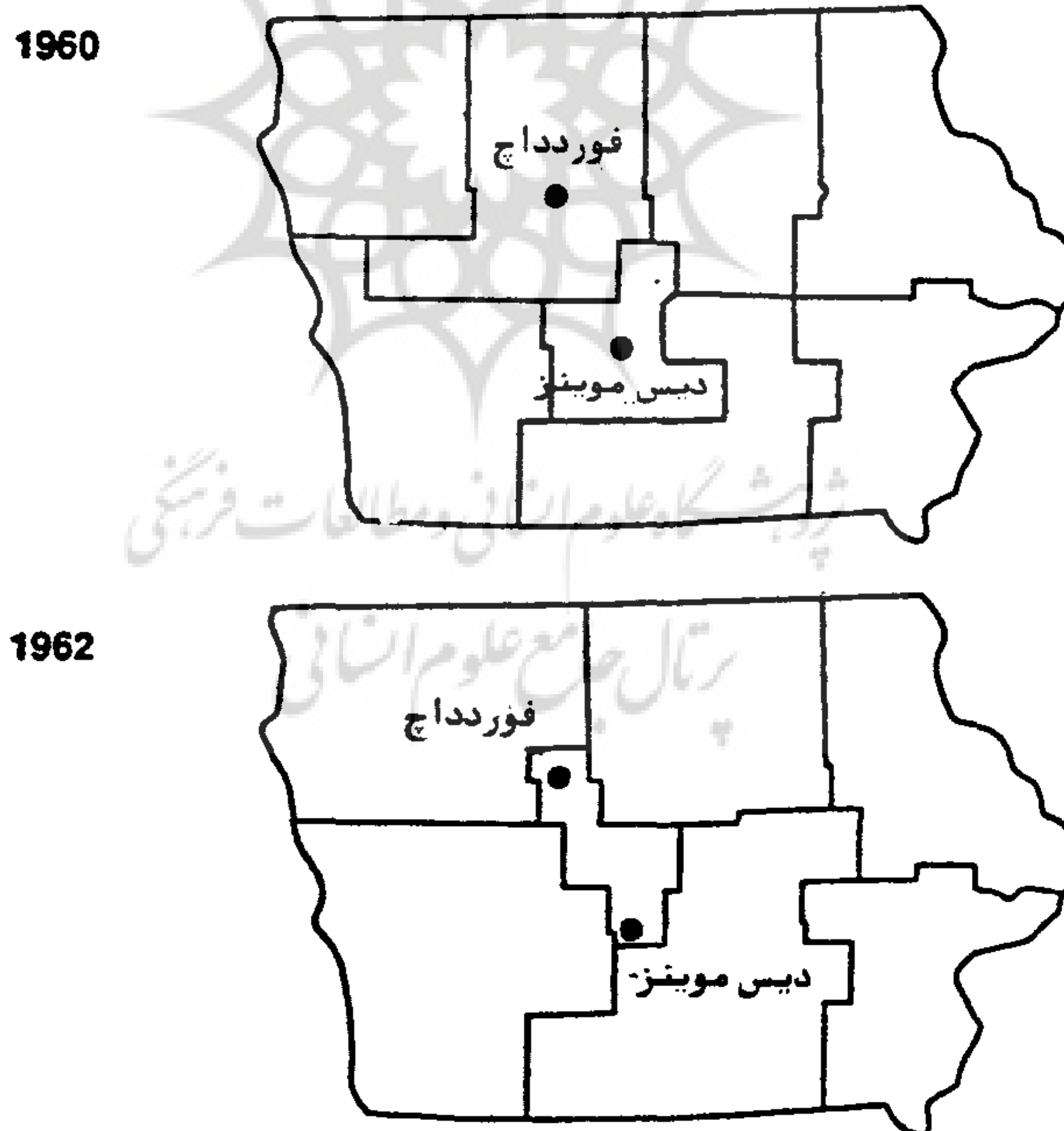


1-Gerrymandering

2-Elbrige Gerry

2-Rennic Shrt john. An Inrtroduction to Political Geography.

"تنظیم غیر عادلانه حوزه‌های انتخاباتی" دستکاری در مرزهای سیاسی، بمنظور دستیابی به نتایج خاص انتخاباتی است و این مسئله غالباً "اتفاق می‌افتد". مثلاً "بین سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۲ نمایندگان پارلمان در آمریکا کاهش یافتند. جمهوریخواهان متمدنی هیئت مقننه بودند. به علت حمایت زیاد دموکراتها از فورد داج (Ford Dodge) و دس مونیوس (Des Moines) که در ناحیه جدیدی گرد آمده بودند، مرزها را دوباره تقسیم کردند و بقیه حامیان دمکرات در مناطقی که عمدتاً "جمهوریخواه بودند، عاجز ماندند". (شکل ب - ۳)



شکل ب ۳ - ترتیب و تقسیم حوزه های انتخابی بطور غیر عادلانه در آیوا

۳- نظام انتخاباتی : در نظام انتخاباتی جغرافیادان سیاسی باید دو جنبه را در نظر بگیرند: یکی از نظام انتخاباتی مورد عمل و نحوه استفاده از آن و دوم تقسیم مملکت به حوزه‌های انتخاباتی لازم برای نظام مورد عمل.

در مورد جنبه اول معمولاً " ترکیب جمعیت و همچنین انگیزه دولتست برای استفاده از یک نظام معین مورد توجه است. مثلاً برخی از دولت‌ها مایلند تا از توسعه احزاب انشعابی یا نمایندگی احزاب اقلیت جلوگیری کنند. برخی دیگر علاقمندند که احزاب اقلیت نماینده باشند و بنابراین از حوزه‌های مربوط به آراء اقلیت حمایت می‌کنند. برخی دولت‌ها متمایل به باقی ماندن بر مصدر حکومتند و به این جهت مقرراتی را بمنظور حق رای محدود وضع می‌کنند تا رقیب، میدان را وسیع نیابد و در نتیجه محدود شود.

در مورد جنبه دوم در بعضی ممالک حوزه‌های انتخاباتی را امامت‌سوران مستقل و در برخی دیگر دولت تعیین می‌کند. در برخی کشورها حوزه‌های انتخاباتی بطور مستمر توریع مجدد می‌شوند و گاه اصولی که توریع مجدد حوزه‌ها بر مبنای آن قرار دارند، تغییر می‌کند. پرسکات توضیح درباره، نظام انتخاباتی را بخش مهمی از جغرافیای انتخابات می‌داند^۱. حتی بسندون " نامساوی بودن تعداد نمایندگان " یا " تنظیم غیر عادلانه حوزه‌های انتخاباتی " سیستم انتخاباتی می‌تواند نتایج شکست آوری داشته باشد.

برای نمونه انتخابات سال ۱۹۸۷ بریتانیا را می‌توان نام برد. این انتخابات، مانند همه انتخابات قبلی قرن بیستم بر اساس سیستم First-Past The Post System است. حوزه‌های انتخاباتی^(۱)

۱- پرسکات، جی، آر، وی، کرایشهای تازه در جغرافیای سیاسی با ترجمه میرحیدر

همانطور که قبلاً اشاره شد در این سیستم کاندیدایی که بیشترین آراء را در هر حوزه انتخاباتی بدست می‌آورد، در انتخابات پیروز می‌شود و در نتیجه عضو پارلمان می‌شود و حزب سیاسی که دارای بیشترین اعضا پارلمان باشد، کشور را اداره می‌کند.

جدول الف - ۴. ارتباط بین آراء و عضویت ها را نشان می‌دهد.

	% آراء	% کرسی عضویت
محافظه کار	۴۲/۳	۵۷/۶
کارگر	۳۰/۸	۲۵/۲
اتحاد	۲۲/۶	۳/۳
سایر احزاب	۴/۳	۳/۹

(جدول الف - ۴)

An Introduction to Political Geography. P.126

باتوجه به این جدول معلوم می‌شود که چطور دو حزب مهم سیاسی یعنی کارگر و محافظه کار بیشترین کرسی را نسبت به آراء بدست آورده‌اند. حزب اتحاد که بیش از یک پنجم (۱/۵) کل آراء را بدست آورده، اما کمتر از ۱/۳ کرسیها را در اختیار دارد. علت این است که حمایت از حزب اتحاد گسترده بوده ولی در یک مکان ویژه بقدر کافی عمیق نبوده که عضوی را به پارلمان بفرستند. برعکس، اکثریت احزاب دیگر، حمایت‌های گسترده و عمیق داشتند.

تعداد آراء برای کرسی	احزاب
۲۹۳۳۳	محافظه کار
۳۴۹۳۴	کسارگر
۲۶۳۳۶۰	اتحاد

An Introduction To Political Geography.P.126

(جدول الف - ۵)

همانطور که جدول الف - ۵ نشان می‌دهد، حزب محافظه کار به کمتسر از ۳۰،۰۰۰ رای نیاز دارد تا یک کرسی بدست آورد، در حالیکه کاندیدای حزب اتحاد بیش از ۲۵۰،۰۰۰ رای باید بدست آورد. مثال بریتانیا نشان می‌دهد که چطور سیستم‌های انتخاباتی بین اهداف رای دهندگان و نتایج سیاسی انتخابات میانجی‌گری می‌کنند. بعید است که چنین بی‌نظمی‌هایی توسط احزاب سیاسی که از این وضع موجود سود می‌برند، تغییر یابد. دولت‌ها قادرند که انواع بهانه‌ها را بیاورند، چرا که اصلاح انتخاباتی ضروری نیست. جغرافیای سیستم‌های انتخاباتی تا حد زیادی به نوع سیستم انتخاباتی وابسته است.

سه نوع سیستم می‌توان نام برد: اجمعی یا چندگانه ۲- نسبی

۳- ترجیحی

۱- سیستم جمعی در بریتانیا، کبیر و ایالات متحده بوجود آمد. یک شکل از سیستم جمعی سیستم "رای گیری قابل انتقال انفرادی" است که از سال ۱۹۲۱ در ایرلند استفاده شد. در این سیستم گرچه اقلیت‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرند، اما بی‌عدالتی انتخاباتی در این سیستم نیز وجود دارد.

احزاب حاکم می‌توانند از قدرتشان برای نفوذ در تعداد حوزه های انتخابی استفاده کنند. چون حوزه های انتخاباتی کوچکتر کرسیهای کمتری در اختیار دارند، بنابراین احزاب اقلیت به آراء بیشتری نیاز دارند. در اینجا حزب حاکم سعی می‌کند که حوزه های انتخابی کوچک را در جایی که حامیان بیشتر دارد، بوجود آورد و حوزه های انتخابیه بزرگتر را در نواحی که حمایت از آن کمتر است.

در آلمان فرمی از سیستم "نماینده‌گی نسبی" وجود دارد. حوزه‌های انتخابیه تک‌عضوی وجود دارند و سپس یک گروه کرسی عضویت، بر اساس آراء کلی که هر استان یا ایالات می‌دهد، تقسیم می‌شود، این سیستم گاهی نیز سیستم ترکیبی یا سیستم اعضا بیشتر یا (AMS) نامیده می‌شود. علت موفقیت "حزب سبز" طی دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ همین سیستم انتخاباتی بود. اعضا این حزب در بیشتر حوزه های انتخاباتی در اقلیت بودند و طبق سیستم First-Past The Post System قربانی دموکراسی انتخاباتی بودند که به علت برقراری سیستم اعضا بیشتر (SMS)، این حزب توانست کرسیهایی را بدست آورد و دستاورد آن پیروزی انتخاباتی و اعتبار بود.

ارائه يك الكوی جدید در جغرافیای انتخابات

همانگونه که ذکر شد، جغرافیدانان سیاسی روشهای گوناگونی را برای مطالعات جغرافیای انتخابات بکار می‌برند؛ بکار بردن روشها مبتنی بر سیستم انتخاباتی در کشورهاست. برخی از جغرافیدانان انتخابات، برای تفهیم تحقیقات انجام شده از گرافها و نمودارها استفاده می‌کنند و برخی

ترجیح می‌دهند که نقشه را جایگزین کنند تا بدینوسیله مرزهای انتخاباتی را بر روی نقشه دقیقاً " روشن نموده و تعداد هواداران حزب را در حوزه های انتخاباتی بطور بارزتری نشان دهند . بهر حال جغرافیدانان سیاسی بایستد روشهای گوناگونی را ابداع کنند تا بتوان از طریق آنها نتایج انتخابات را در سطوح خرد و کلان بطور دقیق مشخص ساخت .

برای مثال برای تعیین حوزه انتخاباتی حزبی با يك سیستم "کدگذاری - فاصله ای" می‌توان هواداران هر حزب را مشخص کرد . انجام این کار برای جغرافیدانان جز با همکاری سازمانهای مربوطه مثل وزارت کشور در ایران ممکن نیست ، اما در عین حال در صورتی که مساعدت کامل از جانب ارگانهای ذیربط بعمل آید ، می‌توان از این روش استفاده نمود و به نتایج منطقیسی و صحیح نیز دست یافت . در این سیستم نقطه‌ای را به عنوان مرکز حسسوزه انتخاباتی تعیین شده در نظر می‌گیریم ، دوایری را از مرکز با شعاع ۱، ۲، ۳ و ۰۰۰ کیلومتر ترسیم می‌کنیم و تاجایی که ساکنین وجود دارند ، ادامه می‌دهیم ، بعد دوایر را به ۴ بخش شمالی ، جنوبی ، شرقی و غربی تقسیم و هر محدوده را با يك کد مشخص می‌کنیم .

مثلاً " کد 1 . N متعلق به محدوده‌ای است که در فاصله ۱ کیلومتری از مرکز حوزه و در شمال آن قرار گرفته و یا کد 2 . S متعلق به حوزه‌ای است که پس از محدوده ۱ کیلومتری تا فاصله ۲ کیلومتری در جنوب مرکز قرار گرفته و همیطور بخشهای دیگر برای سهولت ، بهتر است هر يك از حوزه ها با رنگ خاصی بر روی نقشه مشخص شود و در هنگام رأی گیری کد هر قسمت را بر روی صندوقهای مربوطه نوشته و برگه آراء، محدوده ها (حوزه‌ها) را نیز با رنگ

مشخص نمود. مثلاً " برای محدوده يك كيلومتری (اعم از شمالی، جنوبی، شرقی یا غربی) رنگ‌زرد را انتخاب کرد و برای محدوده ۲ كيلومتری (اعلم از شمال، شرق، جنوب و غرب) رنگ‌سبز و ۰۰۰ همچنین شماره کد هسسر محدوده ای روی آراء درج شده باشد. به این ترتیب پس از انجام رأی گیری و شمارش آراء صندوقهای قرار گرفته در داخل هر محدوده از بيك حسوزه انتخاباتی، می‌توان دریافت که کدام جناح سیاسی طرفدار بیشتری دارد. یسا به عبارت دیگر بیشترین طرفداران هر جناح سیاسی در کداميك از محدوده هسا زندگی می‌کنند. با حصول اطلاع از این امر، جناحهای سیاسی می‌توانند برنامه تبلیغاتی خود را در دوره های بعدی نظم بهتری دهند. همچنین برای دولت حاکم مشخص می‌شود که در هر محدوده چند درصد از ساکنین از او حمایت می‌کنند و برای برنامه‌ریزی جهت جلب حمایت بیشتر، بر روی کدام محدوده‌ها سرمایه گذاری بیشتر داشته باشد.

آنچه مسلم است، هدف نهایی از جغرافیای انتخابات در کشورهای پیشرفته علاوه بر پژوهش، روند تشکیل حکومت در سطح ملی و نهایتاً " در سطح جهانی است. جغرافیای انتخابات در صورتی که درست بکار گرفته شود، می‌تواند در فرآیند حاکمیت سیاسی بر جهان نقش عمده ای را بازی کند، هر چند عکس آن نیز صادق است.

منابع

فارسی :

- ۱ - پرمسکات، جی.آر.وی، گرایشهای تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر. دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۵۸
- ۲ - وزارت کشور؛ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و قانون نظارت شورای نگهبان
- ۳ - قانون اساسی
- ۴ - مجله مجلس و پژوهش شماره‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵. مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

لاتین :

- 5 - Glassner Martin Ira, Political Geography. New York: John Wiley & Sons, Inc, 1993.
- 6 - Johnson, Ronald J. Ered M. Shelly, and Peter J. Taylor Developments in Electoral Geography. London: Routledge, 1990.
- 7 - Taylor, Peter J. and Ronald J. Johnston, Geography Of Election, London: Croom Helm, 1979.
- 8 - Mc Gillvray, Alice V. and Richard M. Scammon, American Votes 19: A Handbook Of Contemporary Election Staistics. Washington: Congressional Quarterly Books, 1991.
- 9 - Rennie Short John, An Introduction To Political Geography, London and New York: ROUTLEDGE, 1993.